

فرقی ندارد...

دوستی در تماس تلفنی جویای احوال بود و سفارش می کرد که بیشتر از خودم مواظبت نمایم.

او حق داشت چرا که وقتی سنی از انسان می گذرد مواظبت و رعایت برخی از موارد ضروری می شود.

او در ادامه صحبت‌های خود گفت که چرا این روزها برای انتشار نشریه الکترونیکی رغبتی نشان نمی دهم و به چه دلیل بعد از عید در مورد نشریه دنیای اردبیل کم کار شده‌ام؟

راست هم می گفت. مدت ها بود که نام نشریه از ذهنم پاک شده بود و برای انتشارش برنامه ای نداشتم. با خود می گفتم مسئولین محترم یک روزی کاسه صبرشان لبریز می شود و به جرم منتشر نشدن لغو امتیاز می کنند و هم خودشان و هم ما را راحت می نمایند.

به دوستم گفتم متاسفانه در شهر ما بین سیاه و سفید فرقی قائل نمی شوند. رسانه‌های مجوز دار حال و روز خوشی ندارند و در این میان نشریات الکترونیکی مظلوم‌ترین و بدبخت‌ترین در بین رسانه‌ها هستند.

به او گفتم به یک مورد اشاره می کنم ولی مطمئنم که باورش برای تو سخت می شود. اصلا خود اداره کل و دست اندرکاران امر مطبوعات آن، نشریات الکترونیکی را قبول ندارند. نمونه‌ای نمی توان پیدا کرد که الکترونیکی‌ها برای یک بار هم که شده باشد مورد عنایت، محبت و لطف آنها قرار گرفته باشند.

یکی از همکاران با سابقه مطبوعاتی در فضای مجازی طی مطلبی یادآوری کرده بود که برخی از فعالان فضای رسانه با دارا بودن چندین مجوز رسانه چاپی و الکترونیکی در سال نزدیک به 600 میلیون تومان یارانه می گیرد. وقتی این مطلب را خواندم گفتم که خوش به حالش، کاش راه و رسم این کار را با برپایی کارگاه‌های آموزشی به دیگران نیز آموزش بدهد.

برای نشریات الکترونیکی یارانه که نمی دهند همکاران ارشاد در استان نیز به خاطر این که از روزمرگی عقب نیفتند در مورد بخشنامه آگهی‌ها و مجوز اختصاص آگهی دولتی به این نشریات نیز روی خوش نمی دهند. درست است که در بخشنامه رضایت آگهی دهنده مورد تأکید قرار گرفته است ولی چندان هم از روابط حاکم بر امور بی خبر نبوده و ناوارد هم نیستیم اگر بخواهند و بخواهیم خیلی از ناممکن‌ها می توانند به ممکن‌ها تبدیل بشوند.

به هر حال به حرف این دوست ارزش قائل شدیم و نسبت به انتشار این

شماره اقدام کردیم تا چه پیش آید و کارها بر چه روالی پیش بروند.